

## این صندلی خیلی هم داغ نیست

برنامه صندلی داغ از ابتدای پیدایشش تا کنون تغییرات زیادی را پشت سر گذاشته است. پیشینه این برنامه در تلویزیون به نوروز 83 برمی گردد.



جام جم آنلاین: برنامه صندلی داغ از ابتدای پیدایشش تا کنون تغییرات زیادی را پشت سر گذاشته است. پیشینه این برنامه در تلویزیون به نوروز 83 برمی گردد.

صندلی داغ در طول این سالها چند بار متوقف و مجری عوض کرده است. این برنامه هر بار با سر و شکلی جدید در برابر چشمان مخاطبان ظاهر شد. اما ساختار اصلیاش که گفتوگو با چهرهها بود دست نخورده باقی ماند. در دنیای برنامههای تلویزیونی عنوان صندلی داغ شامل برنامههای گفتوگو محوری می شود که در آنها مهمان برنامه باید با لحنی صریح و بدون لکنت به سوالات جسورانه میزبان پاسخ بدهد.

در این گفتوگوهای دو نفره مجری یا کارشناس با کسی تعارف ندارد. هیچ آداب و ترتیبی نمی جوید و هر چه دل تنگش بخواهد می گوید. مهمان نیز این حق را دارد که دست به افشاگری بزند و اطلاعاتی را که به خودش یا دیگران مربوط می شود بیان کند.

مسئله این جور برنامهها وقتی قرار است به تلویزیون ایران بیایند باید بومی سازی شوند و در چارچوب بایدها و نبایدهای رسانه ملی قرار بگیرند. به عنوان مثال در یک صندلی داغ ایرانی مجری نباید وارد حریم خصوصی بازیگر شود و نباید آنها را تفتیش عقاید کند و...

از بین برنامههایی که با عنوان صندلی داغ به روی آنتن رفته اند، اولین سری آن موفق ترینش بود.

داریوش کاردان در نوروز 1383 با این برنامه به یک چهره محبوب تلویزیونی بدل شد. این مجری با توجه به روحیه طنز و طبع شوخی که داشت سوالات چالشی را به گونه ای از مهمانان می پرسید که آنها ناراحت نشوند. شوخیهای کاردان با چهرههای سیاسی و هنری و ورزشی هم لحن جدی برنامه را تلطیف می کرد و هم باعث می شد مهمان راحت تر و سریع تر ناگفتههایش را بیان کند.

پس از داریوش کاردان افراد دیگری چون زنده یاد منوچهر نودری و احمد نجفی اجرای برنامه را به عهده گرفتند. در حال حاضر پس از گذشت 7 سال از پیدایش برنامه امیرحسین مدرس بر صندلی مجریگری صندلی داغ نشسته است. برنامه شب شیشه ای هم که چند سال پیش از شبکه تهران به روی آنتن می رفت، فضایی شبیه به صندلی داغ داشت.

اما صندلی داغ فعلی به هیچ وجه نشانی از حال و هوای دوران اوجش ندارد. آنچه در حال حاضر به روی آنتن می رود برنامه ای است خسته کننده با یک سری سوالات یکنواخت و تکراری. مجری برنامه بر روی صندلی اش می نشیند و یک سری سوالات از پیش تعیین شده را می پرسد و می رود.

مثلا می پرسد شما در زندگی چه معیاری دارید و مهمان هم جواب می دهد: صداقت. و بعد نوبت به سوال بعدی می رسد. روند این مکالمه 2 نفره هیچ گونه پیوستگی ندارد. سوالات پراکنده اند و از دل جواب قبلی بیرون نمی آیند. مجری به بازخوردهای مهمان توجه نمی کند و همان سوالات تعیین شده را از روی کاغذ می خواند. ضمن این که سوالات طراحی شده ویژگیهای پرسشهای برنامه ای با عنوان صندلی داغ را ندارند. در چنین برنامههایی باید جوابهایی بشنویم که واقعا داغ باشند. اما وقتی سوالات سرد و بی روح اند، متقابلا نمی توان از مهمان انتظار داشت که پاسخ داغی ارائه کند.

وقتی سوالات از پیش تعیین شده باشند و در خواندنشان خلاقیتی صورت نگیرد، نقش و تاثیرگذاری مجری به حداقل می رسد. در چنین شرایطی می توان مجری را از روند پرسش و پاسخ حذف کرد. می توان برگه سوالات را به مهمان داد و از او خواست آنها را یک به یک جواب بدهد. بدون این که نیازی به حضور مجری باشد.

حتی مهمانهایی هم که به برنامه دعوت می شوند بعضا چهرههایی نیستند که بتوانند خیلی خبرساز باشند. بنابراین برخی از نقاط ضعف برنامه، به سیاستگذاریهای اصلی در انتخاب چهرههای دعوت شده برمی گردد.

سوالاتی که در این برنامه از بازیگران پرسیده می شود سوالاتی از این دست است: شما براساس چه معیاری نقشهایتان را انتخاب می کنید؟ چطور شد که بازیگر شدید؟ چرا سراغ این رشته رفتید؟ برخی سوالات هم با هدف شادتر کردن فضای برنامه طراحی شده اند.

اما مطرح کردنشان مخاطب را یاد سوالات نشریات زرد و عامه پسند می‌اندازد. مثل این سوال‌ها: شما به چه غذایی بیشتر علاقه دارید؟ آیا بلدید ته چین مرغ درست کنید؟

داریوش کاردان چندی پیش به این نکته اشاره کرد که هدف از راه‌اندازی صندلی داغ تشویق مسوولان اجرایی کشور به پاسخگویی بوده است. انگیزه اصلی این بوده که مسوولان روی این صندلی بنشینند و مورد سوال قرار بگیرند. داریوش کاردان خاطره‌ای در این باره تعریف کرده و گفته است: حتی من چندین بار خدمت آقایان لاریجانی و ضرغامی عرض کردم، مثلاً اگر یک روز هواپیمایی سقوط کند، هفته بعدش وزیر راه باید بیاید و روی صندلی داغ بنشیند. اما صندلی داغ فعلی با آن ایده‌آلی که در ذهن کاردان بود کیلومترها فاصله دارد.

برنامه فعلی حتی در مواجهه با هنرمندان و ورزشکاران هم سعی می‌کند جانب احتیاط را رعایت کند. در برنامه‌ای که یکی از ورزشکاران دعوت شده بود، مجری برنامه پرسید درباره شما شایعاتی هم شنیده می‌شود. آیا درست است؟ ورزشکار هم پاسخ داد: خیر درست نیست. با این پاسخ به ظاهر کوبنده پرونده شایعات مربوط به این قهرمان ورزشی بسته شد.

حالا بیننده‌ای که از هیچ‌جا خبر ندارد باید بنشیند و حدس بزند که این شایعات چه بوده و ورزشکار مهمان چه دلایل و مستندات برای درست نبودن آنها دارد. بیننده باید این بخش را در تخیلات خودش حدس بزند. چون از این سوال و جواب گنگ و مبهم چیزی دستگیر بیننده نمی‌شود.

تقریباً در همان ساعتی که صندلی داغ پخش می‌شد، برنامه رادیو هفت شبکه آموزش گفت‌وگویی را با خداداد عزیزی ترتیب داده بود. خداداد از خاطرات دوران جوانی اش تعریف می‌کرد و می‌گفت وسط بازی فوتبال جام آزادگان، پلیس‌های نیروی انتظامی به ورزشگاه آمده و به خاطر فرار از خدمت سربازی به او دستبند زده و او را بردند، اما واقعیت این بود که او تعهد داشته در فلان تیم بازی کند اما به آن تیم نرفته و بازیکن ابومسلم شده است.

خداداد این خاطره را با هیجان تعریف کرد و بعد از سفرش به آلمان و این که چقدر آنجا لجبازی کرده و در آخرین لحظه از امضای برگه قرارداد تیم آلمانی پشیمان شده است.

پس از این صحبت‌ها منصور ضابطیان با کنایه به خداداد گفت: تو از اولش هم مایه درد سر بودی!

گفت‌وگویی دو نفره‌ای که از شبکه آموزش پخش می‌شد به نسبت چالشی‌تر و داغ‌تر از برنامه صندلی داغ بود.

البته دست‌اندرکاران صندلی داغ می‌توانند مدعی شوند که شیوه مطلوب گفت‌وگو از نظر ما همین است. ما چالش و پرداختن به حاشیه‌ها را در دستور کارمان قرار نداده‌ایم. پس نباید انتظار داشته باشید که با یک برنامه چالشی مواجه شوید. این پاسخ تا حدودی قانع‌کننده است، اما به شرطی که نام برنامه عوض شود. چون صندلی که الان مجریان و مهمانان روی آن می‌نشینند شباهتی به یک صندلی داغ ندارد.

احسان رحیم‌زاده / گروه رادیو و تلویزیون